

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَآكِرْمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱

(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی‌ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علمت را برایمان باز کن؛ به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان!)

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۲۸؛ محمد محسن فیض کاشانی، خلاصه الادکار و اطمینان القلوب، کتاب الکترونیکی، ص ۱۹۳، به نقل از: بازار کتاب قائمیه.



تقدیم به:

حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان،

به امید گوشه چشمی!

منبرهای کوتاه حسینی



منتخبی از سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی،
با موضوعات مرتبط با حضرت اب‌عبدالله الحسین علیه السلام

سرشناسه	: ملایی، مقدار، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: منبرهای کوتاه حسینی: منتخب سخنرانیهای حرم مطهر رضوی در موضوع امام حسین علیه السلام/گردآورنده مقدار ملایی؛ به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی؛ آرزویاب علمی سید محمود مرویان حسینی.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.: مصور(رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ م.
شابک	: 978-622-6090-32-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا:
عنوان دیگر	: منتخب سخنرانیهای حرم مطهر رضوی در موضوع امام حسین علیه السلام.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ -- خطبهها
موضوع	: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Religious aspects - Islam
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ق.
موضوع	: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده	: Astan Qods Razavi . Islamic Relief and Communication Assistant
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ م/۲۰۱۷/۴۲۴۱ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۵۲۰۷۵



عنوان: منبرهای کوتاه حسینی

منتخبی از سخنرانیهای حرم مطهر رضوی با موضوعات

مرتبط با حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

تهیه و تدوین: مقدار ملایی

به سفارش: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

ویراستار محتوایی و زبانی: زینب سادات حسینی

آرزویاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرویان حسینی

صفحه آرا: عباس پرچی

ناشر: انتشارات معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس

شمارگان: ۵۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۰-۳۲-۲

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۲۷	ریزش‌ها و رویش‌ها	۷	پیشگفتار
۲۸	خطر سقوط		فصل اول:
۲۹	تقابل حق و باطل	۹	شناخت و سیره سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۳۰	انگیزه نامه نویسی‌ها	۱۰	حقیقت معرفت
۳۱	هیهات مِّنَا الدَّلَّةُ	۱۱	داعی الله
	فصل سوم:	۱۲	نور خدا
۳۲	عزاداری حسینی	۱۳	نیکی‌کننده
۳۳	عزاداری در سیره پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۴	متون حسین شناسی
۳۴	عناصر عزاداری		فصل دوم:
۳۵	حضور ملائک در مجالس سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>	۱۵	نهضت حسینی
۳۶	تأثیر عزاداری	۱۶	ویژگی‌های سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> در عاشورا
۳۷	عاطفه و معرفت	۱۷	گفتمان مقاومت و ایستادگی
۳۸	لزوم بیان معارف در مجالس حسینی	۱۸	فلسفه قیام امام حسین <small>علیه السلام</small>
۳۹	انواع گریه	۲۰	به حق عمل نمی‌شود
۴۱	گریه با معرفت	۲۱	نجات انسانیت
۴۲	شرط تأثیر گریه در عزاداری‌ها	۲۲	حکومت مقدس
۴۳	اشک به تنهایی کافی نیست	۲۳	عامل بقای اسلام
۴۴	آثار گریه بر سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>	۲۴	سند مظلومیت
۴۵	مرثیه سوزناک	۲۶	ویژگی‌های یاران امام حسین <small>علیه السلام</small>

فهرست



- ۶۲ سخاوت‌مندترین مردم
۶۳ کمک به قدر معرفت
۶۵ خیر دنیا و آخرت
۶۶ حق الناس
۶۷ ظلم به افراد بی پناه و بی یاور
۶۸ عذرپذیری

فصل ششم:

- ۶۹ زیارت و توسل
۷۰ زیارت مظلوم
۷۱ عنایت ملائکه به زائران سیدالشهدا علیه السلام
۷۲ ثمرات زیارت سیدالشهدا علیه السلام
۷۳ رحمت واسعه
۷۴ توسل به امام حسین علیه السلام
۷۶ آثار محبت به امام حسین علیه السلام
۷۷ نعمت بزرگ
۷۸ اهمیت زیارت عاشورا
۷۹ شفای هر درد
۸۰ کتابنامه
۸۴ مسابقه فرهنگی

- ۴۶ جایگاه مرثیه خوانِ امام حسین علیه السلام
۴۷ یادکردن از عطش سیدالشهدا علیه السلام

فصل چهارم:

- ۴۸ حیات حسینی
۴۹ معیارهای حسینی شدن
۵۰ آرزوی حسینی شدن
۵۱ هنوز از تراز سیدالشهدا علیه السلام فاصله داریم
۵۲ یاد مرگ و قیامت
۵۳ دنیا حساب و کتاب دارد
۵۴ زندگی حقیقی
۵۵ عزت
۵۶ ریشه عزت
۵۷ عزت در استقلال اقتصادی
۵۸ ابراز اصلاح جامعه
۵۹ واجب عمومی
۶۰ غیرت دینی

فصل پنجم:

- ۶۱ گفتارهای حسینی

در زیارت شریف جامعه کبیره، از قول امام هادی علیه السلام خطاب به معصومان علیهم السلام می خوانیم: «مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ.»^۱ (آن که به سوی شما آمد، نجات یافت و آن که نیامد، نابود شد.) اهل بیت علیهم السلام دروازه نجات اند و هرکه از دریچه معرفت ایشان به عالم هستی ورود پیدا کند، هدایت یافته است. شیعه در طول تاریخ، با اتکا به فرهنگ ناب عاشورا و با اقتدا به سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام توانسته است مسیر رشد و بالندگی خود را از گردنه های سخت و پرحادثه تاریخ به سلامت طی کند. رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی ره نیز با اشاره به همین حقیقت فرمودند: «همین محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.»^۱

در دنیای پُر آشوب کنونی که امواج فتنه های ظلمانی جبهه باطل، از هرسو بر پیروان حق و حقیقت هجوم آورده است، مجالس عزای حسینی، پناهگاه امن رهروان راه حق و حقیقت است؛ اما باید دانست که یزیدیان زمان اهمیت این سرمایه عظیم را درک کرده اند و درصدد تحریف و بی اثر کردن آن برآمده اند؛ بنابراین اگر شور حسینی که در محافل عزاداری ما بسیار وجود دارد، با شعور و معرفت حسینی

۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۸.





همراه نشود، چه بسا آنچه اسباب نجات است، اسباب غفلت شود. کتاب حاضر منتخبی است از متن سخنرانی‌های استادان معزز درباره امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا. این بیانات، طی سالیان مختلف، در حرم مطهر رضوی ایراد شده است. امید است این مختصر تلاش، در جهت معرفت‌افزایی عاشورایی، مقبول طبع عموم مخاطبان و اصحاب منبر قرار گیرد.

معاونت تبلیغات اسلامی
آستان قدس رضوی



فصل اول:

شناخت و سیره سیدالشهدا علیه السلام



حقیقت معرفت

حُذِيقَةُ بَنِي يَمَانَ وجود نازنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دید؛ درحالی که دست حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفته بودند و خطاب به مخاطبان نشان می فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَعْرِفُوهُ...»^۱ (ای مردم، این حسین، فرزند علی است؛ پس او را بشناسید [و درباره اش معرفت و شناخت پیدا کنید]...) .

در اینجا سؤالی مطرح است: «آیا منظور از امر به معرفت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام معرفت به اموری ظاهری است؟ یعنی بدانیم پدرشان کیست؟ مادرشان کیست؟...» قطعاً منظور این نیست؛ پس منظور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیست؟ گویا می خواهند بگویند که این حسین، «سِرُّالله» است و باید به این اسراری که در امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام وجود دارد، معرفت و شناخت پیدا کنیم.

حجة الاسلام والمسلمین مؤمنی،
رواق امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳ آبان ۱۳۹۲

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۵۹۶ و ۵۹۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۲.





داعی الله

چرا ابی عبدالله علیه السلام را به طور خاص با عبارت «داعی الله» مخاطب قرار می‌دهیم؟^۱ در حالی که تمامی حضرات معصومین علیهم السلام «داعی الله»، یعنی دعوت‌کننده به سوی خداوند هستند؟! برای دعوت به سمت خدا، ائمه معصومین علیهم السلام از سه راه استفاده کرده‌اند:

۱. دعوت زبانی به سمت بندگی خدا [با سخنرانی و خطبه و...]:

۲. دعوت عملی به سمت دین خدا که تمام ائمه اطهار علیهم السلام با سیره عملی خود، به سمت دین خدا دعوت می‌کردند؛

۳. دعوت به سمت دین خدا با فداکردن تمام هستی خود که این سبک دعوت به سمت دین خدا، فقط منحصر به ابی عبدالله علیه السلام است؛ چنان‌که در زیارت اربعین عرض می‌کنیم: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ». ^۲ امام حسین علیه السلام با ریختن خونشان دعوت به دین خدا کردند. این سبک دعوت منحصر به ابی عبدالله علیه السلام است.

حجة الاسلام والمسلمین مؤمنی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۵ آذر ۱۳۹۴

۱. علی بن موسی بن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۳۴۲: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ... صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِثْنَاكَ فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمِعِي وَ بَصَرِي...»

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳.





نور خدا

در زیارت امام حسین علیه السلام عرض می‌کنیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلَا يُطْفَأُ أَبَدًا.»^۱ (شهادت می‌دهم تو نور خدایی که نتوانستند و نخواهند توانست خاموشت کنند [و تو را از بین ببرند]،) اگر کسی اراده کند این نور را از بین ببرد، خودش از بین می‌رود؛ چون امام حسین علیه السلام به واسطه عبودیت و بندگی، مصداق «نورالله» شده‌اند؛ بنابراین از ازل روشن بوده است و تا ابد هم هیچ‌کس نمی‌تواند آن را خاموش کند. چقدر اراده کردند که قبرابی عبدالله علیه السلام را از بین ببرند! شد؟ ابداً! چقدر اراده کردند بازار ایشان را کساد کنند! شد؟ ابداً! چرا؟ چون طریق ابی عبدالله علیه السلام طریق بندگی است.

حجة الاسلام والمسلمین مؤمنی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۸ آبان ۱۳۹۲





نیکی‌کننده

خیلی از ما به امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزیم؛ اما معنای واژه حسین را نمی‌دانیم. «حسین» از «احسان» به معنای نیکی‌کننده و خوبی‌کننده گرفته شده است. امام حسین علیه السلام ۵۷ سال عمر کردند. در این مدت عمر، یک نمونه رفتار ناپسند از آن حضرت دیده نشد و هرچه از ایشان دیده شد، نیکی و خوبی بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره اسم امام حسین علیه السلام خطاب به خود ایشان فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... شَقَّ لَكَ يَا حُسَيْنُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ دُو الْأِحْسَانِ وَأَنْتَ حُسَيْنٌ»^۱ (ای حسین، خداوند متعال برای تو نامی را از نام‌های خودش جدا کرد؛ پس او «صاحب نیکی» است و تو «حسین» [یعنی نیکی‌کننده].)

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۱ فروردین ۱۳۹۷

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، ص ۵۵.



متون حسین شناسی

- زیارت‌های سیدالشهدا علیه السلام [یعنی زیارت عاشورا، زیارت اربعین و...]
از متون زلال حسین شناسی است. این زیارت‌ها چند بخش دارد:
۱. سیدالشهدا علیه السلام را معرفی می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ ...»^۱ (سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش.)
 ۲. بیعت با سیدالشهدا علیه السلام است: «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وِلْيٌ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.»^۲ (در صلح با کسی که با شما در صلح باشد و در جنگ با کسی که با شما بجنگد و دوستم با کسی که شما را دوست بدارد و دشمنم با کسی که دشمن شما باشد.)
 ۳. دشمنان سیدالشهدا علیه السلام را معرفی می‌کند: «وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شُمْرًا وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَسْرَجَتْ وَ الْجَمَّتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ.»^۳ (لعنت خدا بر عمر بن سعد و لعنت خدا بر شمر و لعنت خدا بر مردمی که اسب‌ها را زین کردند و دهنه زدند و به راه افتادند برای پیکار با شما!)
 ۴. یاران امام حسین علیه السلام را معرفی می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيَّكَ وَ عَلَيَّ الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِنَائِكَ.»^۴ (سلام بر تو و بر ارواحی که به آستانت وارد شدند.)
 ۵. برائت از دشمنان سیدالشهدا علیه السلام را اعلام می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَ لِيٍّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ.»^۵ (خدایا، تو را شاهد می‌گیرم که من دوست هستم با آنان که او را دوست دارند و دشمن هستم با آنان که با او دشمن‌اند.)

حجة الاسلام والمسلمین خاتمی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۳۰ آبان ۱۳۹۱

۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، فرازی از زیارت اربعین.

۲. محمدبن حسن طوسی، مصباح المتبهج، ج ۲، ص ۷۷۵، فرازی از زیارت عاشورای معروفه.

۳. محمدبن حسن طوسی، مصباح المتبهج، ج ۲، ص ۷۷۴، فرازی از زیارت عاشورای معروفه.

۴. محمدبن حسن طوسی، مصباح المتبهج، ج ۲، ص ۷۷۴، فرازی از زیارت عاشورای معروفه.

۵. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۴، فرازی از زیارت اربعین.

فصل دوم:

نهضت حسینی



ویژگی‌های سیدالشهدا علیه السلام در عاشورا

پنج ویژگی در امام حسین علیه السلام وجود داشته است که همین پنج ویژگی، عاشورا را جاودانه کرده است.

ویژگی اول: هدف از قیام امام حسین علیه السلام چیزی جز نجات انسان‌ها نبوده است. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَفْسٌ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.»^۱ (خدایا، ... خون جان و روح و دلش را فدا کرد [یعنی خون دل خورد] تا بندگان تو را از جهل و حیرت گمراهی نجات دهد!)

ویژگی دوم: امام حسین علیه السلام راه نجات انسان را به خوبی می‌دانسته‌اند. **ویژگی سوم:** امام حسین علیه السلام در راه نجات انسان انگیزه‌ای الهی داشته‌اند.

ویژگی چهارم: امام حسین علیه السلام برای این قیام از هیچ‌کسی توقع تشکر نداشتند.

ویژگی پنجم: امام حسین علیه السلام در این قیام، همه چیز خود را فدا کردند.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ مهر ۱۳۹۴





گفتمان مقاومت و ایستادگی

یکی از گفتمان‌های عاشورا مقاومت و ایستادگی بر سر اصول و پرداختن هزینه آن است. این گفتمان سالار شهیدان ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام است. عصر عاشورا به یاران‌شان چنین فرمودند: «صَبْرًا بَيْنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالصَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالتَّعْيِيمِ الدَّائِمَةِ.»^۱ (بزرگ‌زادگان صبوری پیشه کنید که مرگ نظیر پلی است که شما را از رنج و سختی‌ها [ی دنیوی] عبور می‌دهد و بهشت وسیع و نعمت‌های همیشگی داخل می‌کند.)

حجة الاسلام والمسلمین خاتمی،

رواق امام خمینی رحمته‌الله، ۳ مهر ۱۳۹۶

۱. محمدبن‌علی‌بن‌بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، ص ۲۸۹.



فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

وجود اقدس سیدالشهدا علیه السلام در نامه خود به برادرشان محمد حنفیه فرموده‌اند: «غیر از این نیست که من برای طلب اصلاح در امت جدم خروج و قیام کردم و اراده کرده‌ام که امر به معروف و نهی از منکر کنم.» این فرمایش سیدالشهدا علیه السلام دو بخش دارد:

اول: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (جز این نیست که برای ایجاد اصلاح در امت جدم خارج شدم و قیام می‌کنم.) دوم: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.)

در بخش اول فرمایش سیدالشهدا علیه السلام یک منطوق است و یک مفهوم. منطوق فرمایش سیدالشهدا علیه السلام این است که خروج امام حسین علیه السلام برای طلب اصلاح در امت است. مفهوم فرمایش امام حسین علیه السلام این است که اصلاً جامعه آن روزی که امام حسین علیه السلام قیام کرد، جامعه فاسدی بود. امت دچار فساد شده بود. امام حسین علیه السلام برای اصلاح فساد قیام کردند. نقطه مقابل قیام امام حسین علیه السلام فقط حکومت نیست، دستگاه یزیدی نیست، رهبری بنی‌امیه و سلطه جریان

۱. محمد بن ابی طالب حسینی کرکی حانری، تسلیة المُجَالِسِ وَ زینة المَجَالِسِ (مقتل الحسین علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۶۰.



ظلم و ستم بر گرده مردم نیست: عمده‌ای که در برابر بینش انقلابی سیدالشهدا علیه السلام در قیام کربلا قرار دارد، جامعه است، مردم‌اند. وقتی جامعه فاسد باشد، حاکمش می‌شود یزید. وقتی جامعه فاسد باشد، رهبرش می‌شود بنی‌امیه. در جامعه فاسد، بر گرده مردم، یک سگ بازو شراب‌خوار مسلط می‌شود. در جامعه فاسد، فحشا و جنایت و ناهنجاری سرنوشت مردم را تعیین می‌کند. این نتیجه فساد در جامعه است.

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی ره، ۳۰ آبان ۱۳۹۱





به حق عمل نمی‌شود

آنچه به عنوان فلسفه قیام عاشورا در کلام ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام وجود دارد، بهترین منبع برای شناخت اهداف این حرکت نورانی است. وجود مقدس ابی‌عبدالله علیه السلام در مسیر کربلا این‌طور بیان فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْهَى عَنْهُ.»^۱ [مردم!] آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟! سخن این نیست که قرآن خوانده نمی‌شود، سخن این نیست که کسی نماز یا دعا نمی‌خواند؛ سخن حسین بن علی علیه السلام این است که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود! سخن ابی‌عبدالله علیه السلام آن است که امروز در جامعه به نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، باید به دین عمل شود.

آیه‌الله رئیسی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۶ مهر ۱۳۹۵

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۴۵.





نجات انسانیت

هدف از قیام امام حسین علیه السلام نجات و احیای انسانیت بود. هدف ایشان جنگ و کشته شدن نبود. هدف امام حسین علیه السلام در کربلا این نبود که بجنگند و به شهادت برسند و عده‌ای هم از طرف مقابل کشته شوند؛ بلکه هدف، حیات و فرهنگ زندگی بود و برای همین، حتی وقتی که طرف مقابل، کسی است که هیچ حرف منطقی‌ای را قبول نمی‌کند و به درجه بالایی از سقوط و انحطاط رسیده است، امام با استفاده از هر منطق و موعظه‌ای می‌خواهند او را هدایت کنند!

حجة الاسلام والمسلمین شریعتی تبار،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۳ مهر ۱۳۹۴





حکومت مقدس

حکومت ذاتاً مقدس نیست؛ اما اگر حکومت وسیله‌ای شد که خوبی‌ها را در جامعه نسرود، یعنی ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱ (همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست)، قرآن این نوع حکومت‌ها را مقدس می‌داند. حکومتی که وقتی قدرت پیدا می‌کند، عدالت را در جامعه نشر می‌دهد، مقدس است. اصلاً داستان حادثه عاشورا و مواجهه حسین بن علی علیه السلام با یزید، همین نکته بود که یزید قدرت را در اختیار عیش و نوش قرار داده بود؛ درحالی‌که امام حسین علیه السلام معتقد بودند این ابزاری است که باید در جامعه عدالت را برپا کند. قدرت ذاتاً مقدس نیست؛ اما می‌تواند مقدس باشد. اگر همین قدرت را بدهند به حسین بن علی علیه السلام، مقدس می‌شود؛ چون حضرت از آن برای امیال خودشان استفاده نمی‌کنند؛ بلکه آن را برای نشر عدالت استفاده می‌کنند. چهار سال و خرده‌ای حکومت این شرافت را پیدا کرد که در دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد و شد مقدس. آن حکومت عین نماز است، عین روزه است.

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۳ مهر ۱۳۹۵





عامل بقای اسلام

چرا آیین یهودیت و شریعت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام مطابق آنچه ذات مقدس پروردگار نازل کرد، باقی نماند، ولی اسلام باقی ماند؟ چون دین حضرت موسی علیه السلام و شریعت عیسی علیه السلام دچار تحریف شدند؛ ولی در اسلام این مشکل به وجود نیامد. خداوند فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ (بی تردید ما این قرآن را [به تدریج] نازل کردیم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.) این نگهبانی و محافظت خداوند از قرآن، به واسطه ابزار صورت می‌گیرد. آنچه از صدر اسلام تا امروز، ابزار واقع شده است برای اینکه اراده پروردگار بر حفظ قرآن و صیانت از دین انجام پذیرد، قیام و نهضت سیدالشهدا علیه السلام بوده است.

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۹ مهر ۱۳۹۵





سند مظلومیت

براساس نقل سلطان الواعظین شیرازی در کتاب شب‌های پیشاور، یک زن محقق مسیحی تحقیقی کرد در این باره که در این عالم، مظلوم‌ترین انسان‌ها چه کسانی هستند؟ بعد از سال‌ها تحقیق، ماحصل آن را این‌چنین مکتوب کرد که در عالم سه نفر از همه مظلوم‌ترند. از نگاه این خانم مسیحی، اولین مظلوم سقراط حکیم بود. چرا مظلوم‌تر است؟ برای اینکه ایشان حکیم و اهل فهم بود و با زهر مسمومش کردند و به قتل رساندند! ما این مبنا را نمی‌پذیریم و نقدی که به این مظلوم داریم، این است که اگر مظلومیت به مسموم‌شدن با زهر جفاست، امام مجتبی علیه السلام به مراتب از سقراط مظلوم‌ترند.

این خانم مسیحی دومین مظلوم عالم را عیسی مسیح علیه السلام دانسته است؛ آن‌هم به این دلیل که ایشان را به صلیب کشیده و سپس به شهادت رساندند. این تعبیر هم نقد دارد: ﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾^۱ (نه او را کُشتند و نه به دار کشیدند؛ بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد [و شخصی هم قیافه او را کُشتند]). آن حضرت را به قتل نرساندند: ﴿بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ﴾^۲ (بلکه خدا او را زنده به سوی خود

۱. نساء، ۱۵۷.

۲. نساء، ۱۵۸.





بالا بُرد.)

اما همین خانم مسیحی سومین مظلوم عالم را حسین بن علی علیه السلام معرفی کرده است. نکتهٔ مهم این تحقیق این است که این خانم محقق مسیحی می‌گوید: «پروندهٔ دو مظلوم اولِ عالم، یعنی سقراط حکیم و حضرت عیسی علیه السلام در دادگاه افکار عمومی بشریت در طول تاریخ، مختومه اعلام شده است؛ اما عنصری در کربلا هست که تا این عنصر در کربلا وجود دارد، نمی‌گذارد این پرونده مختومه شود و این عنصر، طفل شیرخوارهٔ شش ماههٔ حسین بن علی علیه السلام است.

حجة الاسلام والمسلمین حلوائیان،
صحن جامع رضوی، ۲۴ مهر ۱۳۹۴





ویژگی‌های یاران امام حسین علیه السلام

داشته‌های یاران امام حسین علیه السلام به این شرح بود: اولین ویژگی ایشان، ایمان درست و عمیق و راسخ بود. ایمان درست یعنی چه؟ یعنی ایمانی که از روی شعور و معرفت باشد. ایمان راسخ یعنی چه؟ یعنی ایمانی که آن‌ها را به حق وصل کرده بود.

دومین ویژگی یاران امام حسین علیه السلام عشق بود. عشق یعنی آن موتور پُرگرمای تحرک‌زایی که نمی‌گذارد انسان آرام باشد. سومین ویژگی‌شان فداکاری، چهارمین ویژگی‌شان بلندهمتی و پنجمین ویژگی‌شان بصیرت بود. ششمین ویژگی‌شان هم کمک به تحقق حق و دفاع از آن در موقعیت‌های ویژه بود.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ مهر ۱۳۹۴





ریزش‌ها و رویش‌ها

یکی از نکته‌های آموزنده حادثه عاشورا، ریزش‌ها و رویش‌هاست. در انقلاب سیدالشهدا علیه السلام، چهره‌هایی ریزش کردند و چهره‌هایی رویش کردند. ریزش یعنی کسانی که در عرصه دین‌داری، در عرصه نخبگی سیاسی و در عرصه نمود شخصیت و چهره برجسته یک مسلمان در میان امت اسلام شناخته شده بودند، با پیشامد واقعه کربلا، این‌ها از آن موقعیت ریزش کردند و به عنصری ناپاک و پلید یا احیاناً به بی‌مصرف و بی‌تفاوت در برابر حوادث مبدل شدند؛ در مقابل این‌ها، عده‌ای از عناصر که در مرز صفر بودند و اصلاً چهره به نظر نمی‌آمدند و جامعه نه در حوزه سیاست، نه در حوزه دیانت و نه در حوزه شخصیت و برجستگی به آن‌ها توجه نداشت، این‌ها یک مرتبه رویش کردند و به اوج رسیدند.

آیه‌الله علم‌الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۲ دی ۱۳۸۸





خطر سقوط

شمر از رزمندگان در رکاب مولا علی علیه السلام در جنگ صفین بود. حیف است این جنایت‌کار را جانباз بنامم! باید بگویم مجروح جنگ صفین بود. در جنگ صفین کسی به او شمشیر زد و پیشانی‌اش را مجروح کرد.^۱ توجه کنید: آدمی یک‌روز آن‌طور است و یک‌روز هم شدیدترین جنایات را در کربلا انجام می‌دهد!

سمره‌بن جندب، این جنایت‌کار پلید هم از آن‌هایی است که با اصرار، از پیغمبر صلی الله علیه و آله اجازه جنگ گرفت؛ اما بعد، در زمان حکومت معاویه هشت‌هزار شیعه را کشت!^۲ بنابراین شناسنامه آدم‌ها را هر روز باید دید. بعضی‌ها یک‌روز در صراط مستقیم هستند و روز دیگر از صراط مستقیم خارج می‌شوند!

حجة الاسلام والمسلمین خاتمی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۶ آذر ۱۳۸۹

۱. نصر بن مزاحم بنقری، وقعة صفین، ص ۲۶۸.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك)، ج ۷، ص ۲۸۰۱.





تقابل حق و باطل

در هر زمانی، جریان و جناح امام حسین علیه السلام و جریان و جناح یزید هستند. این‌ها در هر زمانی در برابر هم هستند. در زمان ما هم سرزمین کربلا تشکیل شده است: «كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا»^۱ (هر زمینی کربلا و هر روزی عاشورا است). جناح امام حسین علیه السلام الان هم وجود دارد. مهم این است که ما در مقام عزاداری و عشق و دلدادگی به سیدالشهدا علیه السلام بتوانیم صرف نظر از حوزه عاطفه و احساس، در حوزه اندیشه و فکر هم این جریان را بشناسیم و دقیقاً در داخل آن حرکت کنیم؛ آن هم فعالانه و در همان شکل و به همان صورتی که شهدای کربلا در اطراف سیدالشهدا علیه السلام شرکت کردند و موفق شدند.

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ آبان ۱۳۹۱

۱. محمد محمدی اشتهازی، غم‌نامه کربلا (ترجمه اللهوف علی قتلی المظوف)، ص ۱۲.



انگیزه نامه‌نویسی‌ها

از طرف مردم کوفه دوازده‌هزار نامه و طومار به سیدالشهدا علیه السلام رسید. همه هم نامه نبود: تعدادی از این‌ها طومارهای بلندی بود با امضای رؤسای قبایل و افراد عشایر و جمعیت‌های زیاد. خوب انگیزه نامه‌نویسی‌ها چه بود و چرا این‌ها از حرفشان برگشتند؟ اشکال بعضی از این‌ها در اصل انگیزه‌شان بود! از همان اول، انگیزه‌شان فاسد بود و امام را به‌عنوان حجت خدا نمی‌شناختند.

این‌ها روزی که نامه‌ها را می‌نوشتند، نشستند با خودشان این‌طور حساب کردند: «حکومت ضعیف شده است، معاویه به درک رفته است، یزید هم عنصر نالایقی است که لیاقت اخلاقی و نفسانی ندارد؛ بنابراین الان وقتش است؛ چون اگر حرکتی در شعاع پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله صورت پذیرد که مقبولیتش در محضر همه انسان‌ها قطعی است، اینجا می‌شود پایگاه قدرت و بعد هم خود ما می‌شویم عناصر و عوامل قدرت و به جایی می‌رسیم!»

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۲ دی ۱۳۸۸

هَيَّهَاتَ مِنَّا الذَّلِيلَةَ



خداوند متعال دو راه جلوی پای بندگان گذاشته است: راه خیر و راه شر، راه عبادت و راه معصیت، راه خدا و راه شیطان، راه عقل و راه نفس و فرموده است: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۱ (ما راه را به آن‌ها نشان دادیم؛ حال خواهد [هدایت پذیرد و] شکر [این نعمت] گوید و خواهد [آن نعمت را] کفران کند).

خدا، پیغمبر ﷺ، چهارده معصوم علیهم السلام و قرآن به ما گفته‌اند سر دوراهی مواظب باشیم که از اصحاب یمن شویم، نه اصحاب شمال. امام حسین علیه السلام سر دوراهی رسیدند. به ایشان گفتند یا با یزید بیعت کنند یا سربریده حضرت را پیش یزید می‌برند. امام حسین علیه السلام فرمودند: «هَيَّهَاتَ مِنَّا الذَّلِيلَةَ»^۲؛ بله: کار که به اینجا برسد، مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است!

حجة الاسلام والمسلمین صالحی خوانساری،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۸ مهر ۱۳۹۵

۱. انسان، ۳.

۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، ص ۱۶۶.



فصل سوم:

عزاداري حسيني



عزاداری در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

علامه امینی رَحِمَهُ اللهُ در کتاب سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیست نمونه مطلب از کتاب‌های اهل سنت نقل کرده‌اند که بر اساس آن‌ها، پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام عزاداری ترتیب داده‌اند. یک نمونه‌اش را بیان می‌کنم که در کتاب‌های شیعه هم از قول امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: وقتی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا آمد، اسماء بنت عمیس آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام را در پارچه‌ای سفید قرار داده و به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گوش راست امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اذان و در گوش چپشان اقامه گفتند؛ بعد، ایشان را در دامنشان گذاشتند و گریه کردند. اسماء گفت: «پدر و مادرم به فدایتان! چرا گریه می‌کنید؟» پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «براین پسرم گریه می‌کنم.» گفت: «ای پیامبر خدا، او که تازه متولد شده است!» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «تَقْتُلُهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ مِنْ بَعْدِي لَا أَنَالَهُمُ اللهُ شَفَاعَتِي.» (پس از من، گروهی ستمکار او را می‌کشند. خداوند، شفاعتم را به آن‌ها نرساند!) سپس ادامه دادند: «یا اَسْمَاءُ لَا تُخْبِرِي فاطمةَ بِهَذَا فَإِنَّهَا قَرِيبَةٌ عَهْدٍ بِوِلَادَتِهِ.» (ای اسماء، این را به فاطمه نگو؛ چراکه او را تازه به دنیا آورده است!)

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،

حسینیة امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۹۶، آذر ۱۳۹





عناصر عزاداری

عزاداری از دو عنصر تشکیل شده است: یکی یادکردن از مصائب گوناگون کربلا [یعنی شهادت، اسارت، کتک خوردن اهل بیت علیهم‌السلام و...] است و دیگری گریه کردن بر این مصائب. در دوران زندگی امامان ما علیهم‌السلام عزاداری به شکلی واحد برگزار نشده است. وضعیت سیاسی زمان بعضی از امامان ما علیهم‌السلام آن قدر سخت بود که حتی یک مجلس ساده هم برگزار نکردند! امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام نتوانستند حتی یک مجلس برای امام حسین علیهم‌السلام برگزار کنند؛ چون تحت نظر و کنترل بودند؛ اما بعضی از امامان علیهم‌السلام مثل امام رضا علیهم‌السلام از آزادی بیشتری برخوردار بودند؛ بنابراین مجالس علنی برگزار می‌کردند.

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،
حسینیة امام رضا علیهم‌السلام، ۶ آذر ۱۳۹۰





حضور ملائک در مجالس سیدالشهدا علیهم السلام

طبق روایات ملائک در مجالس امام حسین علیه السلام حضور دارند. آن‌ها گریه‌های ما را می‌بینند و صحبت‌های ما را می‌شنوند. امام صادق علیه السلام به جعفر بن عقیل فرمودند: «به من خبر رسیده است که درباره امام حسین علیه السلام به خوبی شعر می‌گویی.» عرض کرد: «بله.» آنگاه برای امام شعر خواند و هر که در اطراف حضرت بود، گریه کرد تا اینکه اشک بر صورت مبارک امام هم جاری شد و فرمودند: «یا جَعْفَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا أَوْ أَكْثَرَ.» (ای جعفر، به خدا قسم که اینجا ملائکه مقرب خداوند نزد تو حاضر شده‌اند: سخن تو را درباره حسین علیه السلام می‌شنوند و به درستی که ملائکه نیز گریه می‌کردند؛ همچنان که ما گریستیم؛ بلکه بیشتر از ما هم گریه کردند!)

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،
حسینیة امام رضا علیه السلام، ۶ آذر ۱۳۹۰



تأثیر عباداری

یکی از شعائر الهی که انسان را دعوت به خدا می‌کند، شخص نازنین و بزرگوار حسین بن علی است. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.»^۱ (خدایا، ... خون جان و روح و دلش را فدا کرد [یعنی خون دل خورد] تا بندگان تو را از جهل و حیرت گمراهی نجات دهد!) این خون به هیچ‌کس منصوب نیست، جز به خدا؛ حتی نمی‌گویند خون حسین بن علی علیه السلام، می‌گویند: «خون خدا»!^۲ چون دعوت به خدا می‌کند.

چطور نماز ما را دعوت به خدا می‌کند؟ چطور روزه ما را دعوت به خدا می‌کند؟ چطور کارهای خیر ما را دعوت به خدا می‌کند؟ این خون، این محرم، این عاشورا هم ما را دعوت به خدا می‌کند. تعظیم این خون و این شخص، برای ما انسان‌ها امضای «تَقْوَى الْقُلُوبِ» است؛ یعنی خداوند پای این عمل مہرمی‌زند؛ پس هرکه خالص و مخلص، به عشق حسین بن علی علیه السلام یک کتیبه زد، لباس سیاه به تن کرد، در مجلس ابی‌عبدالله علیه السلام شرکت کرد، اطعام کرد و... کار او تعظیم شعائر الهی است و تردید نکنید که این، کم‌تر از نماز شب نیست!

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

رواق امام خمینی رحمته، ۱۲ مهر ۱۳۹۵

۱. محمدین حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲. اشاره به عبارت «تأثر الله» که در زیارات بسیاری، امام حسین علیه السلام با آن مخاطب قرار گرفته‌اند.





عاطفه و معرفت

اقامه عزای سیدالشهدا علیه السلام و مجالس سوگواری برای آن حضرت، باید دو نقش را ایفا کند:

۱. نقش عاطفی

این نقش، خوشبختانه در قالب مراسم و برنامه‌های متنوع و مبتکرانه ما، از طریق اشک ریختن‌ها و سینه‌زنی‌ها و عرض‌آرادت‌های به‌شیوه‌های متنوع اجرا می‌شود. ما در نقش‌آفرینی در کانون احساس و عشق به واقعه کربلا و سیدالشهدا علیه السلام کمبودی نداریم. همه عرض‌آرادت‌ها و دلدادگی‌ها و احساسات و عواطفی که در برابر مظلومیت میوه دل پیامبر و عزیزانشان علیهم السلام از ما بروز می‌کند، از سوی آن حضرت و اهل بیت علیهم السلام تقدیر شده است.

۲. نقش فکری و عقلانی

بعد دوم عزاداری برای امام حسین علیه السلام و این عشق و دلدادگی‌ها به ابی‌عبدالله علیه السلام نقش‌آفرینی در کانون فکر و اندیشه است که متأسفانه در این بُعد، تا اندازه‌ای کمیت ما لنگ است. در مقابل این همه عرض‌آرادت‌ها و احساسات و عواطف که در مقام عشق به سیدالشهدا علیه السلام و یارانشان انجام می‌دهیم، حوزه معرفت‌شناسی ما در زمینه آموزش‌های حسینی و تنظیم برنامه فکری و اعتقادی، مخصوصاً در عرصه‌های اجتماعی سیاسی بر اساس اندیشه حسینی و جریان عاشورایی، بسیار ضعیف است.

آیه الله علم الهدی

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ آبان ۱۳۹۱





لزوم بیان معارف در مجالس حسینی

یکی از ویژگی‌های مجالس عزداری سیدالشهدا علیه السلام که از روایات برگرفته شده است، این است که در این مجالس نباید فقط به نوحه و مرثیه و گریه اکتفا شود؛ بلکه باید در مجالس عزداری امام حسین علیه السلام معارف دین گفته شود. امام صادق علیه السلام به فضیل فرمودند: «تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ.» (آیا گرد هم می‌آیید و باهم سخن می‌گویید؟) فضیل جواب داد: «نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ.» (بله فدایت شوم!) حضرت علیه السلام فرمودند: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْبَبُهَا.» (به درستی که من این مجالس را دوست دارم.) بعد ادامه دادند: «فَأَخْبُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ فَرَحَمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.» (پس ای فضیل، امر ما را زنده بدارید. خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده می‌دارد.)

منظور فقط گریه و مرثیه نیست. بر اساس سخن آیه‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله‌تعالی) در تفسیر این روایت، منظور از زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام، زنده کردن امر دین است؛ یعنی در مجالسمان حجاب، اخلاق، نماز، اعتقادات و حلال و حرام را زنده کنیم.

حجة الاسلام عبدوس،

حسینیة امام رضا علیه السلام، ۶، آذر، ۱۳۹۰





انواع گریه

چند نوع گریه در روایات معصومین علیهم السلام داریم که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اشک از خوف خدا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَطْرَةٍ دَمَعٍ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ أَوْ قَطْرَةٍ دَمٍ أَرِيَقَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»^۱ (هیچ قطره‌ای نزد خداوند متعال محبوب‌تر نیست از قطره‌اشکی که از خشیت خدا جاری شود یا قطره‌خونی که در راه خدا ریخته شود.)

اشک ندامت و پشیمانی

انسانی که گناه و اشتباهی کرده است، اگر توجه به خطایش کند و اشک ندامتش را به درگاه الهی نشان دهد، بخشیده می‌شود. امام معصوم علیهم السلام فرموده‌اند: «مَنْ بَكَى مِنْ ذَنْبٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.»^۲ (کسی که بر گناهش گریه کند، بخشیده می‌شود.)

۱. عبدالحمید بن هبة الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۴۷.
۲. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۹۷؛ جمعی از نویسندگان، تاریخ امام حسین علیه السلام (موسوعة الامام الحسين علیه السلام)، ج ۲۳، ص ۵۶۸، به نقل از امام حسین علیه السلام.





اشک شوق

اشک شوق این است که انسانی از روی اشتیاق اشک می‌ریزد؛ مثل مادری که سال‌ها از فرزندش دور شده است و وقتی او را در آغوش می‌کشد، بی‌اختیار اشک می‌ریزد.

اشک مهرورزی

یکی دیگر از اشک‌هایی که در روایات ما توصیف شده است، اشک مهرورزی است. انسان وقتی حادثه تلخی را می‌بیند، اشکش جاری می‌شود.

اشک فراق

یکی دیگر از اشک‌هایی که در کلمات معصومین علیهم‌السلام آمده است، اشک فراق است.

اشک بر سیدالشهدا علیه‌السلام

از گریه‌هایی که اثر تربیتی دارد و در روایات بیان شده است، گریه بر سیدالشهدا علیه‌السلام است. امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَدَلَّ عَزِيْزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ ...» (روز حسین [یعنی عاشورا] چشم‌های ما را مجروح کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد...). در ادامه نیز فرموده‌اند: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحْطُّ الدُّنُوبَ الْعِظَامَ.»^۱ (بر مانند حسین باید گریه‌کنندگان گریه کنند؛ چرا که این گریه گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.)

حجة الاسلام والمسلمین سیدآبادی،

حسینیة امام رضا علیه‌السلام، ۱۴ آبان ۱۳۹۲

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۱۲۸.





گریه با معرفت

طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، سه دسته به بهشت می‌روند: اول، کسانی که برای امام حسین علیه السلام گریه کنند؛ دوم، کسانی که با ذکر روضه و مرثیه دیگران را بگریانند؛ سوم، کسانی که حالت گریه‌کننده به خود بگیرند و ژست گریه‌کننده‌ها را داشته باشند.^۱ بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام برای این سه دسته، بهشت لازم است. مگر گریه چیست که آدم با یک گریه‌کردن اهل بهشت می‌شود؟ باور این کلام خیلی سخت است! مگر چه سرّی در این گریه است؟ چه رمزی در این گریه است که عملی معمولی و ساده، انسان را بهشتی می‌کند؟

عزاداری دو جنبه دارد: جنبه شور و جنبه شعور. جنبه شور، همین گریه‌کردن و دادزدن و به‌پاکردن پرچم و علم است. این شور لازم است؛ اما در کنارش باید شعور هم باشد؛ وگرنه اگر صد سال هم گریه کنیم، هیچ چیز گیرمان نمی‌آید. گریه پل ارتباطی بین ما و امام است و ما را به امام وصل می‌کند. ما باید مأموم امام باشیم. امام حسین علیه السلام مأموم می‌خواهند؛ مأموم در عمل! اگر گریه همراه عمل شد، این گریه انسان را اهل بهشت می‌کند.

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،
حسینیة امام رضا علیه السلام، ۲۷ آذر ۱۳۸۸

۱. نک: جعفرین محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۴ و ۱۰۵: «حَدَّثَنِي أَبُو الثَّبَائِسِ... عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُثَنَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ... يَا أَيُّهَا عُمَارَةُ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْرًا فَأَبْكِي... وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَتَبَاكَ فِي قَلْبِهِ الْجَنَّةُ.»





شرط تاثیر گریه در عزاداری‌ها

یکی از کسانی که در واقعه عاشورا بر امام حسین علیه السلام گریه کرد، عمر بن سعد بود. وقتی که حضرت زینب علیها السلام به عمر سعد فرمودند: «یا عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ أَيْقُتُلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ.» (ای عمر بن سعد، آیا ابو عبدالله کشته می‌شود و تو تماشا می‌کنی؟!) عمر سعد شروع کرد به گریه کردن! او قبل از ما گریه کرد! اشک تنها که نتیجه ندارد! اشک مقدمه است برای خیلی از امور دیگر. اشک بر امام حسین علیه السلام هم خیلی ارزش و ثواب دارد؛ اما اشک جدی و واقعی، نه اشک خیالاتی و توهمی!

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۲ دی ۱۳۸۸





اشک به تنهایی کافی نیست

مشکل ما این است که عشق و دلدادگی به امام حسین علیه السلام [فقط] در حوزه عاطفه ما آمده است: دلت با امام حسین علیه السلام است؛ اسم کربلا را که می‌برند، پلک‌هایت به هم می‌خورد و اشکت جاری می‌شود؛ تا من روضه‌خوان می‌گویم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، دلت تکان می‌خورد و قلبت پرواز می‌کند؛ نوحه که می‌خوانند، محکم به سینه‌ات می‌زنی؛ روز عاشورا به سرت می‌زنی و اصلاً عاشورا و تاسوعا که می‌رسد، همه زندگی‌ات در عشق امام حسین علیه السلام زیر و رو می‌شود! [این روزها] همه جامعه دگرگون می‌شود؛ اما همه این‌ها در حوزه عاطفه و احساس است. در حوزه عقلانیت من و شما، چقدر امام حسین علیه السلام ورود پیدا کرده‌اند؟ عاشورا چقدر ما را به کربلا برده است؟ عاشورا چقدر من و شما را به صف امام حسین علیه السلام وارد کرده است؟ عاشورا چقدر ما را دنبال حبیب بن مظاهر، زُهَیْر بن قَیْن، عابس بن ابی شیبب شاکری و دیگر یاران امام حسین علیه السلام راه انداخته است؟ عاشورا چقدر ما را شکل آن‌ها ساخته است؟ من در این جامعه زندگی می‌کنم و گناه می‌بینم و تکان نمی‌خورم؛ پس من حسینی نیستم! معصیت خدا را می‌بینم و از قدرت و امکاناتم، از پست و مقامم، از شخصیتم و... برای براندازی گناه استفاده نمی‌کنم؛ پس با حسین بن علی کاری ندارم و فقط بلدم برای آن حضرت اشک بریزم!

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۳۰ آبان ۱۳۹۱





آثار گریه بر سیدالشهدا علیهم السلام

اگر در عزای امام حسین علیه السلام از روی عشق و محبت گریه کنیم، این گریه چند اثر دارد:

۱. گناهان را از پرونده اعمال انسان محو می‌کند، البته جز حق الناس؛
۲. انسان غافل را بیدار و انسان اسیر را آزاد و انسان ساکت را متحرک می‌کند؛
۳. گریه بر سیدالشهدا علیه السلام تنفر انسان از دشمنان آن حضرت را بیشتر می‌کند؛
۴. گریه بر امام حسین علیه السلام مثل نهر کوچکی است که به دریای بی‌کران ایمان و اخلاق ابی‌عبدالله علیه السلام وصل می‌شود و [بر اثر آن،] انسان قطره‌ای از آن دریا می‌شود؛
۵. گریه بر امام حسین علیه السلام انسان را آخرت‌گرا می‌کند: عشق به دنیا را از انسان می‌گیرد و او را عاشق آخرت می‌کند.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی ره، ۲۹ مهر ۱۳۹۴





مرثیه سوزناک

مرثیه و روضه امام حسین علیه السلام و یاران ایشان باید با سوز و حزن خوانده شود و از اینکه به شکلی خوانده شود که حزن نداشته باشد، نهی شده است. ابی هارون مکفوف که هم شعر می‌گفته و هم شعر می‌خوانده است، خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت علیه السلام به او فرمودند برایشان مرثیه بخواند. ابی هارون شروع کرد به خواندن. امام صادق علیه السلام فرمودند: «این طوری نه!» گویا ابی هارون ملاحظه امام را می‌کرده است. حضرت فرمودند: «کَمَا تُنْشِدُونَ يَعْنِي بِالرِّقَّةِ.» همان طور که برای خودتان می‌خوانید، بخوانید؛ یعنی با لحن رقت‌آور! یعنی با سوز بخوان، نه معمولی!

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،

حسینیة امام رضا علیه السلام، ۶ آذر ۱۳۹۰





جایگاه مرثیه خوان امام حسین علیه السلام

در مثل چنین روزهایی دعبل خزاعی خدمت مولا علی بن موسی الرضا علیه السلام رسید. حضرت را دید که اندوهگین و ماتم زده نشسته بودند و اصحابشان هم پیرامون ایشان بودند. امام رضا علیه السلام تا او را دیدند که پیش می‌آید، فرمودند: «مَرْحَباً بِكَ يَا دُعَيْلُ مَرْحَباً بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ.» (آفرین بر تو ای دعبل! مرحبا به یاور ما با دست و زبانش!) آنگاه در مجلس کنار خودشان جایی باز کردند و او را کنار خود نشاندهند؛ سپس فرمودند: «يَا دُعَيْلُ أَحِبُّ أَنْ تُشْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَعْدَائِنَا خُصُوصاً نَبِيَّ أُمِّيَّة.»^۱ (دعبل! دوست دارم برایم شعر بخوانی. این روزها روزهای اندوه ما اهل بیت است و روز شادی دشمنان ما، به‌ویژه بنی‌امیه بوده است!) امامی که همه عالم باید مقابل او زانو بزنند، این امام برای مرثیه خوان جا باز کرده‌اند و او را کنار خود نشانده‌اند!

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،

حسینیة امام رضا علیه السلام، ۱۳۹۰، آذر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.





یادکردن از عطش سیدالشهدا علیه السلام

داود رقی این طور نقل کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که حضرت آب خواستند. هنگامی که از آن نوشیدند، دیدم که حالت گریه به ایشان دست داد و چشمانشان پُر از اشک شد و فرمودند: «ای داود، لعنت خداوند بر قاتل حسین علیه السلام! بنده ای نیست که آب بخورد و از حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان یاد کند [یعنی به آنان درود بفرستد و مثلاً بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِالله»] و قاتل آن حضرت را لعن کند، مگر آنکه خداوند عزّ و جل صد هزار حسنه در نامه اعمالش می نویسد، صد هزار گناهش را محو می کند، صد هزار درجه به او می دهد، گویی صد هزار بنده را در راه خدا آزاد کرده است و در قیامت هم خداوند عزّ و جل او را با دلی آرام و مطمئن محشور می کند.»^۱

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۲۱ مهر ۱۳۹۵

۱. نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۶، ص ۳۹۱.



فصل چہارم:

حیات حسینی



معیارهای حسینی شدن

وجود مقدس ابی‌عبدالله علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَبْرَحْ مَعَنَا.»^۱ (هرکه می‌خواهد خون دل خود را در راه ما نثار کند و آماده دیدار خداست، همراه ما کوچ کند.) بر این اساس، هرکه در او دو معیار وجود داشته باشد، حسینی است: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ» یعنی هرچه دارد برای اهل بیت علیهم السلام بذل کند. معیار دوم، یعنی «وَ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَبْرَحْ مَعَنَا» هم به این معناست که باور کند خدا هست و با این باور، خودش را وادار کند که به خدا برسد؛ نه اینکه فقط خیال کند خدا وجود دارد! این دو ویژگی در هرکه باشد، حسینی است.

آیه‌الله علم‌الهدی،

رواق امام خمینی رضی الله عنه، ۳۰ مهر ۱۳۹۴

۱. علی بن موسی بن طاووس، *اللمهوف علی قتلی الطفوف*، ص ۶۱.





آرزوی حسینی شدن

وجود مقدس امام هشتم علیه السلام به ریان بن شیبب این طور دستور دادند: «يَا ابْنَ شَيْبِيبٍ... مَتَى ذَكَرْتَهُ ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً﴾»^۱،^۲ (ای پسر شیبب، ... هر وقت به یاد او [یعنی امام حسین علیه السلام] و اصحابشان [افتادی، بگو: «ای کاش با آنان بودم و من هم رستگاری عظیمی که به آن رسیدند، درک می‌کردم!») یعنی وجود مقدس امام هشتم علیه السلام در کنار عشق، در کنار اشک و در کنار عزاداری، به ریان بن شیبب دستور می‌دهند که آرزوی حسینی شدن داشته باشد!

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ مهر ۱۳۹۴

۱. نساء، ۷۳.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰۶.





هنوز از تراز سیدالشهدا علیه السلام

فاصله داریم

چه کار کنیم که اعمال و رفتارمان با امام حسین علیه السلام تطبیق پیدا کند؛ طوری که وقتی کسی رفتار ما را دید، بگوید: «معلوم است که این شیعه است»؟

برادران عزیز، خواهران گرامی، بروید مطالعه بکنید در تاریخ فرهنگ‌ها در همین حوالی چند قرن پیش در تمام کره زمین یهودی، مسیحی، بودایی، گاوپرست و هرکه با هر مکتب اعتقادی، وقتی می‌خواست تجارت کند و کالاهایی را خریداری کند، می‌گفت: «ببینید نشانهٔ مسلمان‌ها روی کالاها هست یا نه؟!» می‌پرسیدند: «چرا؟» می‌گفت: «چون مسلمان‌ها با کیفیت‌ترین کالاها را می‌سازند و دزدی نمی‌کنند!» الان واقعاً این‌طور است؟!!

حجة الاسلام والمسلمین مهدوی ارفع،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۴ آبان ۱۳۹۲





یاد مرگ و قیامت

حیات حسینی شاخص‌هایی دارد. یکی از شاخص‌های آن، تنظیم زندگی با یاد مرگ و قیامت است. نگذاریم یاد مرگ و قیامت از یادمان برود. امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش فرموده‌اند که دو چیز را فراموش نکنیم: یکی خدا و دیگری مرگ.^۱ مردم در برابر یاد مرگ و قیامت سه دسته هستند:

۱. کسانی که از یاد مرگ و قیامت فرار می‌کنند: ﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ﴾^۲ ([پیغمبر، به مردم] بگو: «مرگی که از آن می‌گریزید، عاقبت شما را ملاقات خواهد کرد.»)
۲. کسانی که زندگی‌شان را با یاد مرگ و قیامت تنظیم می‌کنند.
۳. کسانی که عاشق مرگ هستند، آن‌هم عاشق مرگ شهادت. چرا این‌ها عاشق مرگ هستند؟ چون مرگ را پایان هستی نمی‌دانند؛ بنابراین مرگ را ملاقات با خدا می‌دانند.

حجة الاسلام والمسلمین ماندگاری،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۸ آبان ۱۳۹۳

۱. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۶۷۲، حکمت ۲۰۳: «إِيَّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِذْ أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ وَأَنْ أَوْصَيْتُمْ عَلَيْهِ وَبَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِذْ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ وَ إِنْ أَقْبَضْتُمْ أَخَذَكُمْ وَ إِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ».

۲. جمعه، ۸.





دنیا حساب و کتاب دارد

یکی دیگر از شاخص‌های حیات حسینی این است که باور کنیم این دنیا حساب و کتاب دارد. یکی از دلایل گرفتاری اهل جهنم این است: ﴿أَتَيْتَهُمْ كَانُوا لَا يَزُجُونَ حِسَابًا﴾ (زیرا آن‌ها هیچ امیدی به حساب نداشتند!) آن‌ها فکر نمی‌کردند هرچه در دنیا انجام می‌دهند، حساب و کتاب دارد! آن‌ها دروبین‌ها را ندیدند! در اینجا این سؤال مطرح است: حساب و کتاب را چگونه یاد بگیریم؟

۱. باور کنیم حساب و کتاب خدا جدی است و خدا با هیچ‌کس شوخی ندارد.

۲. حساب و کتاب همگانی است: چه پیغمبران، چه امامان، چه خوبان و چه بدان.

۳. حساب و کتاب باطنی است. باطنی یعنی چه؟ یعنی خدا باطن عمل ما را می‌بیند و روز قیامت ﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ (روزی که [باطن‌ها بر ملا و] اسرارِ نهان آشکار می‌شود.) یعنی امروز نمی‌توان به نیت کسی او را مؤاخذه کرد؛ ولی روز قیامت نیت‌ها هم محاسبه می‌شود؛ چون حساب و کتابِ خدا باطنی است.

حجة الاسلام والمسلمین ماندگاری،
رواق امام خمینی رحمته، ۱۹ آبان ۱۳۹۳

۱. نبأ، ۲۷.

۲. طارق، ۹.





زندگی حقیقی

امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا فرمودند: «فَأَيُّ لَأ أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَأ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا نَزْمًا.»^۱ (به راستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی دانم!) یعنی اگر قرار باشد امام حسین علیه السلام زیر یوغ ظلمی مثل حکومت یزید نفس بکشند، غذا بخورند، بخوابند، حرف بزنند و ضربان قلبشان بزند، حضرت چنین زندگی‌ای را جز مرگ و خواری نمی بینند و اگر قرار باشد امام حسین علیه السلام به واسطه پی جویی حقیقت، سرشان بر سر نیزه برود و دیگر ضربان قلبشان کار نکند و به خیال یزید و یزدیان بمیزند، حضرت علیه السلام این مرگ را سعادت می بینند!

حجة الاسلام والمسلمین مهدوی ارفع،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۰ مهر ۱۳۹۶

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۴۵.



یکی از شاخصه‌های حیات طیبیه در منطق قرآن، عزت است: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾^۱ (کسی که خواهان عزت است، [بداند که باید از خدا بخواهد؛ چون] تمام عزت نزد خداست.) عزت یعنی چه؟ عزت یعنی تسلیم‌ناپذیری در برابر کفر و ظلم و فساد. این عزت حقیقتش از آن خداوند است و مؤمنان به عزت خداوند، عزیز هستند. امام حسین علیه السلام در دعای عرفه خطاب به خداوند این چنین فرموده‌اند: «يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرِّفْعَةِ وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّوْنَ [يَعْتَزُّوْنَ]»^۲ (ای آن که عزت و بلندی مقام و عظمت را مخصوص خود قرار داد و دوستانش به عزت او عزیز شوند.)

حجة الاسلام والمسلمین شریعتی تبار،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۶ مهر ۱۳۹۴

۱. فاطر، ۱۰.

۲. علی بن موسی بن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۲، ص ۸۰.



ریشهٔ عزت

ریشهٔ عزت در انسان‌ها معنویات است. هرچه انسان با خدا رابطهٔ قوی‌تری داشته باشد، شکست‌ناپذیرتر می‌شود و وقتی که ما به چنین ارتباطی دست یافتیم، عزیز می‌شویم؛ یعنی در برابر سه عامل که لحظه‌لحظه با ما هستند تا ذلیلمان کنند، شکست‌ناپذیر می‌شویم: اولین چیزی که می‌خواهد ما را ذلیل کند، نفس اماره است. نفس اماره یعنی همان علاقه‌ای که در مسائل گوناگون، ما را وسوسه می‌کند و می‌گوید شرع و عقل را کنار بگذاریم.

دومین عامل که می‌خواهد اسیرمان کند، شیطان است. سومین عامل هم که در طول تاریخ وجود داشته است، بعضی انسان‌ها هستند که می‌خواهند انسان‌های دیگر را تسلیم خودشان کنند؛ مثل آمریکا که الان می‌خواهد همه را تسلیم خودش کند.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۹ تیر ۱۳۹۵





عزت در استقلال اقتصادی

در زندگی امام حسین علیه السلام عزت، ایمان، اخلاص و امر به معروف و نهی از منکر موج می‌زند. سیدالشهدا علیه السلام برای همیشه به همه مسلمان‌ها درس عزت می‌دهند؛ یعنی مسلمان‌ها باید هر امری که منافات با عزتشان داشته باشد، از زندگی خود حذف کنند. مسلمان فقط در مقابل یکی پیشانی به سجده می‌گذارد و اظهار عبودیت می‌کند؛ وگرنه در مقابل تمامی جهان، عزیز و سربلند است و در مقابل هیچ کفر و کافری، تواضع و فروتنی ندارد. یکی از لوازم مهم عزت این است که ما استقلال اقتصادی داشته باشیم؛ پس هرکس باید به این فکر کند که در لباس و اتومبیل و دیگر وسایل زندگی خود، بی‌نیاز از اجنبی باشد.

حجة الاسلام والمسلمین عبدخدایی،
رواق امام خمینی رضی الله عنه، ۱۱ خرداد ۱۳۹۳





آبزار اصلاح جامعه

وجود اقدس سیدالشهدا علیه السلام برای اصلاح جامعه فقط یک ابزار معرفی کرده‌اند. نگفته‌اند می‌خواهند با یزید بجنگند، نگفته‌اند می‌خواهند یزید را ساقط کنند، نگفته‌اند می‌خواهند تشکیل حکومت دهند و نگفته‌اند می‌خواهند قدرت را به دست گیرند؛ بلکه اهرمی که با آن می‌خواستند جامعه را اصلاح کنند، این بود که فرمودند: «أُرِيدُ أَنْ أُمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ حضرت علیه السلام می‌خواستند با امر به معروف و نهی از منکر جامعه را اصلاح کنند.

آیه‌الله علم‌الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ آبان ۱۳۹۱

۱. محمدبن ابی‌طالب حسینی کرکی حائری، تسلیة المَجالس و زینة المَجالس (مقتل الحسين علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۶۰.





واجب عمومی

امر به معروف و نهی از منکر واجب عمومی است: فقط به یک نفر یا چند نفر به تنهایی واجب نیست؛ بلکه به تک تک افراد واجب است و اختصاص به قشر خاصی هم ندارد؛ چون آن ابزاری که برای امر به معروف و نهی از منکر لازم است، در همهٔ انسان‌های مسلمان وجود دارد.

چه چیزهایی برای اجرای این واجب الهی لازم است؟ اولینش فهمیدن امر به معروف و نهی از منکر است. همهٔ ما عقل داریم و با عقل می‌توانیم امر به معروف و نهی از منکر را بفهمیم. دومین ابزار لازم، این است که قدرت تصمیم‌گیری داشته باشیم تا امر به معروف و نهی از منکر کنیم. سومین ابزاری هم که لازم است، این است که در خود، قدرت ایجاد کنیم.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی ره، ۲۸ مهر ۱۳۹۴



غیرت دینی

امربه معروف و نهی ازمنکر این نیست که بنده، فقط به یک زن بی حجاب بگویم چادر سرش کند، به جوان بگویم به فلان زن نگاه نکند، به آن آقا بگویم چنین وچنان نکند و... نه! اصل امر به معروف و نهی ازمنکر یک ریشه ذاتی دارد و یک ریشه باطنی. آن ریشه ذاتی و باطنی اش، غیرت دینی است.

آدمی که غیرت دینی دارد، یعنی آدم غیرتمند، اگر ببیند مرد نامحرمی آمد و دستش را گذاشت روی شانه زنش، چه حالی پیدا می کند؟ چه وضعی به او دست می دهد؟! غیرتمند دینی وقتی می بیند حکم الله در بین مردم در حال ضایع شدن است، قانون خدا در معرض هتک قرار گرفته است، یک هرزه با هرزگی اش به خدا و دین خدا دهن کجی می کند و...، این آدم غیرتمند دینی، آرام نمی گیرد؛ او تحریک می شود؛ چون حساسیت دارد و حساسیتش او را وادار به عکس العمل می کند! چنین انسانی باید واکنش نشان دهد. اگر واکنش نشان نداد، معلوم می شود که حساسیت ندارد و اگر این حساسیت را نداشت، یعنی غیرت دینی ندارد. اگر آدمی غیرت دینی داشته باشد، نمی توان مانعش شد که امر به معروف و نهی ازمنکر نکند. امر به معروف و نهی ازمنکر یک فریضه است.

آیه الله علم الهدی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۳۰ آبان ۱۳۹۱

فصل پنجم:

گفتارهای حسینی



سخاوتمندترین مردم

می‌دانید «أَجْوَدَ النَّاسِ» یعنی سخاوتمندترین آدم کیست؟ آیا سخاوتمند یعنی کسی که سفره‌اش خیلی طولانی باشد؟ نه. امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَزُجُوهُ»^۱ سخاوتمندترین مردم کسی است که به آن‌که اصلاً به او امید ندارد، عطا کند! یعنی به کسی کمک کنید که اصلاً به کمک از سمت شما امید ندارد! به هیچ وجه، هیچ امیدی ندارد و با خودش می‌گوید: «من کاری برای این آدم نکرده‌ام که توقعی داشته باشم!» سخاوتمندترین آدم کسی است که به چنین افرادی کمک می‌کند.

ببینید معیار امام حسین علیه السلام چقدر قشنگ است!

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۳ مهر ۱۳۹۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.





کمک به قدر معرفت

روزی شخصی اعرابی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: «آقا، من باید یک دیه کامل بپردازم؛ ولی توان ادای آن را ندارم. فکر کردم آدم باساختی را پیدا کنم تا به من کمک کند و باساخت تر از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیافتم!» امام حسین علیه السلام فرمودند: «ای برادر عرب، من سه سؤال می‌پرسم. اگر یکی از آن‌ها را جواب دادی، یک سوم بدهی تو را می‌پردازم. اگر دو مسئله را پاسخ دادی، دوثلث آن را ادا می‌کنم و اگر هر سه سؤال را جواب دادی، تمام بدهی‌ات را می‌پردازم.»

مرد عرب گفت: «ای پسر رسول خدا، کسی مثل شما از کسی مثل من می‌پرسد؛ درحالی‌که شما از اهل بیت علم و شرفید؟!» امام حسین علیه السلام فرمودند: «بله. از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که: 'الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ' (نیکی به قدر علم است [و باید به اندازه معرفت احسان شود].)» مرد عرب گفت: «هرچه می‌خواهید سؤال کنید. اگر دانستم، جواب می‌دهم و اگر ندانستم، از شما می‌آموزم...» امام علیه السلام پرسیدند: «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ.» (کدام اعمال بهترند؟) مرد جواب داد: «الْإِيمَانُ بِاللَّهِ.» (ایمان به خدا.) حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام پرسیدند: «فَمَا النَّجَاةُ مِنَ الْمَهْلَكَةِ.» (راه نجات از مهلکه کدام است؟) مرد پاسخ داد: «الْبَيْتَةُ بِاللَّهِ.» (اعتماد به خداوند.) امام علیه السلام پرسیدند: «فَمَا يُزَيِّنُ الرَّجُلَ.» (چه





چیزی به مرد زینت می‌بخشد؟) مرد عرب جواب داد: «عِلْمٌ مَعَهُ حِلْمٌ». «علم توأم با بردباری». حضرت علیه السلام فرمودند: «اگر علم و حلم نداشت، چه چیزی او را زینت می‌دهد؟» گفت: «مروتی که با او باشد». حضرت فرمودند: «اگر آن را هم نداشت، چه؟» جواب داد: «فَقَرٌّ مَعَهُ صَبْرٌ». «فقر توأم با صبر و خویشتن‌داری». حضرت این بار پرسیدند: «اگر از فقر و صبر هم نداشت، چه؟» مرد عرب گفت: «صاعقه‌ای از آسمان پایین آید و او را آتش بزند که مستحق چنین عذابی است!» امام حسین علیه السلام لبخند زدند و دیه‌اش را پرداختند؛ همچنین انگشتر خود را که نگینش دویست درهم ارزش داشت، به او دادند و فرمودند: «برو بفروش و خرج زندگی‌ات کن.»^۱

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۴ مهر ۱۳۹۵

۱. نک: محمدبن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.





خیر دنیا و آخرت

امام باقر علیه السلام روایتی را از پدرشان امام سجاد علیه السلام نقل فرموده‌اند که طبق آن، کسی به حسین بن علی علیه السلام نامه نوشت و سؤال کرد: «أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» سؤال این بود: «خیر دنیا و آخرت چیست؟» امام حسین علیه السلام برای پاسخ به این سؤال، در یک سطر نوشتند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ.»^۱ (به نام خداوند بخشنده مهربان. هرکه در برابر خشم مردم، رضایت خدا را طلب کند، خدا امورش را کفایت می‌کند و هرکه با وجود خشم خداوند، به دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به مردم وامی‌گذارد! والسلام.)

خوب دقت بفرمایید: یک پاسخ کوتاه، اما یک اقیانوس معنا! مفهوم آنچه امام حسین علیه السلام مرقوم فرمودند، این است:

هرکس به دنبال رضایت خداوند برود، بداند که خداوند متکفل امور او می‌شود؛ اما اگر کسی دنبال رضایت مردم رفت، هرچند به قیمت خشم خداوند، خداوند این آدم را از چتر عنایت خودش خارج می‌کند و او را به مردم واگذار می‌کند.

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۶ آبان ۱۳۹۲

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.





حق الناس

امام حسین علیه السلام به یکی از اصحابشان فرمودند برود در بین یاران ایشان فریاد بزند که اگر کسی به تعییر من، یک دینار یا یک درهم حق الناس برعهده دارد، حق ندارد با آن حضرت همراه شود!^۱

امام علیه السلام می‌توانستند کاری کنند که افراد بیشتری بیایند و با آنها همراه شوند؛ ولی این کار را نکردند؛ چون اگر این کار را می‌کردند، فردا که آن آدم‌های ناقص که حق مردم را نقض کرده بودند، می‌آمدند در جمع یاران ایشان، دیگر نمی‌توانستند بگویند آدم خوب و بد چه فرقی می‌کنند! در این صورت مردم می‌گفتند: «خب لشکر عمر سعد حق خور بودند، در لشکر حسین بن علی علیه السلام که مُشتی آدمِ حق مردم خور بودند!» امام حسین علیه السلام در پاسخ آن‌ها فرمودند: «نه، ابداً!» حضرت علیه السلام خواستند همه بشنوند که اگر کسی دین و بدهکاری و حق الناسی برعهده دارد، حق ندارد با ایشان برود.

حجة الاسلام والمسلمین مهدوی ارفع،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۸ آبان ۱۳۹۲

۱. نک: نورالله حسینی مرعشی تستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۹، ص ۴۲۹.





ظلم به افراد بی پناه و بی یاور

روز عاشورا، وقتی سر امام سجاد علیه السلام در دامن حسین بن علی علیه السلام بود، امام حسین علیه السلام به ایشان وصیتی کردند. این وصیت را قبلاً پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام شهادت، به آن حضرت علیه السلام فرموده بودند. ابی عبدالله علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمودند: «یا بُنَّیَّ اِیَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَا یَجِدُ عَلَیْكَ نَاصِراً اِلَّا اللّٰهَ.»^۱ (بترس از ستم کردن به مظلومی که هیچ یاری کننده‌ای جز خدا ندارد.) بترس از ستم کردن به مظلومی که نه پول دارد، نه پارتی دارد، نه رؤسا را می شناسد و ... فرموده اند باید از ظلم به این اشخاص بترسیم!

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۶ آبان ۱۳۹۲

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.





عذریذیری

امام سجاد علیه السلام نقل کرده‌اند که پدرشان امام حسین علیه السلام فرمودند: «لَوْ سَتَمَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ وَأَوْمَى إِلَى الْيَمْنَى وَاعْتَدَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ.»^۱ مضمون سخن حضرت این است که: «اگر کسی در گوش راست من، به من حسین اهانت و توهین کند و همین آدم در گوش چپم بگوید: 'بخشید'، من حسین او را می‌بخشم و از او انتقام نمی‌گیرم.»

حجة الاسلام والمسلمین عبدوس،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۱ فروردین ۱۳۹۷

۱. محمدبن یوسف زرنجی، نظم در السمطين في فضائل المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم و المرتضى و البنول و السبطين علیهم السلام، ص ۲۵۶.



فصل ششم:

زیارت و توسل

زیارت مظلوم

امام باقر علیه السلام فرمودند: «أَنَّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَسْكُتُهُ فِي الْجَنَّةِ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةُ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ.» (هرکه می‌خواهد مسکن و مأوایش بهشت باشد، زیارت مظلوم را ترک نکند.) گفتند: «مظلوم کیست؟» فرمودند: «حسین بن علی علیه السلام بوده است که صاحب کربلاست.» بعد هم در ادامه فرمودند: «مَنْ آتَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَفْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ.»^۱ (کسی که از روی شوق به آن حضرت و به خاطر محبت به رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا که سلام خدا بر او و آلش باد، به زیارت آن حضرت برود، خدا [در قیامت] او را بر سر سفره‌های بهشتی می‌نشاند؛ درحالی‌که با آن بزرگواران غذا می‌خورد و مردم درحال حساب و کتاب اند!)

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۱ مهر ۱۳۹۵

۱. جعفر بن محمد بن قولویه قمی (ابن قولویه)، کامل الزیارات، ص ۱۴۲.



عنایت ملائکه به زائران

سیدالشهدا علیه السلام

بنا بر فرمایش امام صادق علیه السلام کسی که زائر حسین بن علی علیه السلام می شود، همین که از خانه اش حرکت می کند، خدا هفت هزار فرشته بر او موکل می کند. این ها این زائر را مشایعت می کنند تا به زیارت حسین بن علی علیه السلام می رود و دوباره به منزلش برمی گردد.^۱

طبق روایتی دیگر از همین بزرگوار علیه السلام، وقتی که زیارت کرد و برگشت، فرشتگان به خدا عرض می کنند: «خدایا، این زائرت زیارتش را تمام کرد. ما چه کنیم؟» خطاب می رسد که درب خانه او بمانند و تا قیامت برایش تحمید و تهلیل و استغفار کنند و در نامه عمل او بنویسند!^۲

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۲ آبان ۱۳۹۴

۱. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۶۷ و ۶۸.

۲. نک: جعفر بن محمد بن قولویه قمی (ابن قولویه)، کامل الزیارات، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.





ثمرات زیارت سیدالشهدا علیهم السلام

روایت شده است که امام باقر علیه السلام فرمودند: «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام». (امر کنید به شیعیان که به زیارت حسین علیه السلام بروند.) بعد هم برخی از ثمرات زیارت امام حسین علیه السلام را بیان فرمودند: «يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (روزی انسان را زیاد می‌کند)، «يَمُدُّ فِي الْعُمُرِ» (عمر انسان را طولانی می‌کند)، «يُدْفَعُ مَدَافِعَ الشَّوْءِ» (بلاها و بدی‌ها را از بین می‌برد)، «وَإِثَابُهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ.»^۱ (و هر مؤمنی که اقرار به امامت او [یعنی امام حسین علیه السلام] می‌کند، لازم است که به زیارتش برود.)

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،
حسینیة امام رضا علیه السلام، ۲۲ مهر ۱۳۹۴

۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۲.





رحمت واسعه

آیه الله اراکی رحمته علیه یک شب امیرکبیر را در خواب دیدند که جایگاه بسیار والایی داشت. در همان عالم رؤیا به او می‌گویند: «این جایگاه به خاطر چیست؟ شاید برای این است که با فرقه ضاله مبارزه کردید!» امیرکبیر می‌گوید: «نه.» به چند کار دیگر او اشاره می‌کنند؛ ولی باز می‌گوید: «نه.» می‌پرسند: «پس به خاطر چیست؟» امیرکبیر پاسخ می‌دهد:

آن موقعی که در فین کاشان رگ‌های من را زدند، اندکی خون که از بدنم رفت، عطش به من غلبه کرد. [چون آن‌هایی که خون‌ریزی دارند، تشنه می‌شوند.] سرم را برگرداندم که به کسی بگویم آب بدهد. یک لحظه به خودم گفتم: «مرد! دو تا از رگ‌هایت را زدند، تشنه‌ات شده است؛ پس پسر فاطمه علیها السلام چه کشید؟! همان جا دلم برای پسر فاطمه علیها السلام سوخت و گفتم: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ!» بعد نفهمیدم چه شد؛ ولی همین که از این عالم رفتم، دیدم سرم توی دامن پسر فاطمه علیها السلام است که به من فرمودند: «ادب کردی و به خاطر ما آب نخوردی.»

خون امیرکبیر به واسطهٔ برقراری ارتباطی ضعیف با حسین بن علی علیه السلام، شد رحمت واسعه!

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

رواق امام خمینی رحمته علیه، ۲۴ مهر ۱۳۹۴





توسل به امام حسین علیه السلام

حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه، مؤسس حوزه علمیه قم، این طور نقل کرده‌اند:

شبی در خواب دیدم به من گفتند سه روز بیشتر زنده نیستیم. سه‌شنبه و چهارشنبه مشغول درس و بحث بودم و ماجرای خواب به‌کلی از خاطر من رفت. پنجشنبه با بعضی از رفقا به طرف باغ یکی از آشنایان رفتیم. بعد از ظهرش لرزه شدیدی مرا گرفت. به رفقا گفتم: «زودتر مرا به منزلم برسانید.» من را حمل کردند و به خانه آوردند. جمعه حالم وخیم‌تر شد و احساس کردم روحم به آسمان می‌رود. در همین حال، به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام متوسل شدم و عرض کردم: «حسین جان! ببین دستم خالی است آقا! [عنایتی بفرمایید تا] روحم برگردد به بدنم و بتوانم خدمت کنم!» کم‌کم احساس کردم دارم حرکت می‌کنم. در این وقت، احساس سلامتی کردم و صدای گریه و زاری شنیدم و متوجه شدم که بستگانم به سرو صورت می‌زدند.

آهسته دستم را حرکت دادم. دیدم چشمم را بسته‌اند و رویم پارچه‌ای کشیده‌اند. خواستم پایم را جمع کنم که ملتفت شدم انگشت بزرگ پایم را بسته‌اند. دستم را که بلند کردم، شنیدم می‌گویند: «ساکت شوید، گریه نکنید! بدن حرکت دارد!» همگی آرام شدند و رواندازی را که روی من انداخته بودند، برداشتند و چشمم را گشودند و پایم را فوری باز کردند.

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

حسینیة امام رضا علیه السلام، ۱۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴





آثار محبت به امام حسین علیه السلام

عشق و محبت به امام حسین علیه السلام چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟ وقتی انسان به امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزد، عظمت آن حضرت در وجود او بیشتر می‌شود. وقتی انسان به امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزد، روحش باشکوه و قدرتمند می‌شود. وقتی انسان امام حسین علیه السلام را دوست بدارد، این دوستی سبب می‌شود که مطیع آن حضرت شود. محبت و دوستی امام حسین علیه السلام اکسیر و کیمیاست و می‌تواند آلودگی‌های انسان را پاک کند. عشق به امام حسین علیه السلام انسان ترسو را شجاع و اراده‌های ضعیف را قوی می‌کند. عشق به امام حسین علیه السلام، بین آن حضرت و عاشق ایشان، اتحاد و هم‌بستگی ایجاد می‌کند و انسان را عاشورایی و حسینی می‌کند.

حجة الاسلام والمسلمین فرزانه،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۹ مهر ۱۳۹۴





نعمت بزرگ

در سلسله الطاف الهی به محبان اهل بیت یقیناً محبت سیدالشهدا علیه السلام از الطاف خداست. اینکه کسی بدون اینکه زحمت قبلی کشیده باشد، به قلبش مراجعه می‌کند و می‌بیند عمیقاً امام حسین علیه السلام را دوست دارد. این بزرگ‌ترین نعمت است. بر اساس روایتی که امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل کرده‌اند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به اباذر فرمودند: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ.» یعنی هرکسی به دلش رجوع کرد و دید قلبش کانون محبت اهل بیت علیهم السلام است، باید خدا را به خاطر داشتن اولین نعمت از نعمت‌های الهی شکر کند. اولین نعمت یعنی بهترین نعمت. اباذر پرسید: «یا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا أَوَّلُ النَّعْمِ.» (ای رسول خدا، این اولین نعمت‌ها که می‌فرمایید، چیست؟) فرمودند: «طَيْبُ الْوِلَادَةِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلِدُهُ.»^۱ (پاک‌ی ولادت [یعنی حلال‌زادگی]. دوست ندارد ما را، مگر [حلال‌زاده، یعنی] کسی که ولادتش پاک است.)

هرکسی توفیق ندارد اهل بیت علیهم السلام را دوست داشته باشد! اگر کسی متوجه شد چنین گوهری در قلبش قرار گرفته است، طوری که مثلاً تا می‌گویند: «محرّم» دلش می‌لرزد و اشکش جاری می‌شود، به این معناست که خیلی پاک است و این نعمت خیلی بزرگی است!

حجة الاسلام والمسلمین مهدوی ارفع،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۱۴ آبان ۱۳۹۲





اهمیت زیارت عاشورا

در سامرا طاعون شدیدی آمده بود. آن قدر از دنیا رفتند که فرصت دفنشان نبود. عالم بزرگ وقت که بعضی می‌گویند میرزای شیرازی و بعضی هم می‌گویند شاگرد ایشان، آقاسید محمد اصفهانی بوده‌اند، حکم کردند که همهٔ مردم زیارت عاشورا بخوانند. چون فاجعه بسیار عظیم بود، ظاهراً اهل سنت هم همراهی کردند. یک هفته نگذشته بود که طاعون به‌کلی از بین رفت! در این زیارت عاشورا کسی تشکیک نکند؛ چون زیارت معتبری است!

حجة الاسلام والمسلمین خاتمی،
رواق امام خمینی رحمته الله، ۳۰ آبان ۱۳۹۱





شفای هر درد

به نقل از حارث بن مغیره، مردی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: «من به بیماری‌های بسیار گرفتارم و از هر دوی استفاده کرده‌ام؛ ولی فایده نداشته است!» حضرت علیه السلام پرسیدند: «کجایی و چرا از تربت امام حسین علیه السلام غافل؟!» و این تربت متبرک را این طور وصف فرمودند: «فیه شفاء من کُلِّ داءٍ و اَمناً من کُلِّ حَوفٍ.» (در آن، شفاى از هر درد و نجات از هر ترس وجود دارد.) بعد هم به او فرمودند وقتی که تربت امام حسین علیه السلام را برمی دارد، بگوید:

اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْتَلْکَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلِکِ الَّذِى اَخَذَهَا
وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِى قَبَضَهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِى حَلَّ فِیْهَا صَلِّ
عَلِی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَفْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا^۱.

خدایا، از تو می خواهم به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که آن را اخذ کرده [یعنی جبرئیل علیه السلام] و به حق پیامبری که آن را قبض کرده [یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم] و به حق وصی‌ای که در آن حلول کرده است [یعنی امام حسین علیه السلام]، درود فرست بر محمد و اهل بیتش و قرار ده در آن برای من ... (!) بعد شفاى مرض خود را طلب کند.

حجة الاسلام والمسلمین کازرونی،

رواق امام خمینی رحمته الله، ۲۳ آبان ۱۳۹۲

۱. محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۸.





کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. ابن ابی الحديد معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحديد، به تحقیق و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۰، چ ۱، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن طاووس (سید بن طاووس)، علی بن موسی بن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، به تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج ۲ و ۳، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۵. ابن طاووس (سید بن طاووس)، علی بن موسی بن طاووس، اللّهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، چ ۱، تهران: جهان، ۱۳۴۸ش.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، به تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، چ ۱، نجف اشرف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ش.
۷. ابو مخنف ازدی کوفی، لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف، وقعة الطف، به تحقیق و تصحیح محمد هادی یوسفی غروی، چ ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۸. جمعی از نویسندگان، تاریخ امام حسین علیه السلام (موسوعة الامام



- الحسین علیه السلام، ج ۲۳، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۷۸ ش.
۹. حسینی کرکی حائری، محمد بن ابی طالب، تسلیة المُجالس و زینة المَجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، ج ۲، به تحقیق و تصحیح فارس حسون کریم، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. حسینی مرعشی شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۹، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. زرندی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطين فی فضائل المصطفى صلی الله علیه و آله و المرتضى و البتول و السبطين علیهم السلام، به تحقیق حسین حسنی بیرجندی، چ ۲، بیروت: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۳ ق.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، چ ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چ ۱، نجف: مطبعة حیدریة، بی تا.
۱۵. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، چ ۱، تهران: صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، امالی الصدوق، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.



۱۷. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۲، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۱۸. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۷، ۴، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ش.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، به تحقیق و تصحیح مؤسسه البعثة، ج ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، ج ۶، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. طوسی، محمدبن حسن، مصباح المتہجد، ج ۲، ۱، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۲۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نہج البلاغہ، بہ کوشش محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمہ محمد دشتی، ج ۱، قم: مشہور، ۱۳۷۹ش.
۲۴. کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفۃ الرجال (رجال الکشی)، بہ تلخیص محمدبن حسن طوسی، بہ تحقیق و تصحیح حسن مصطفوی، ج ۱، مشہد: مؤسسہ نشر دانشگاہ مشہد، ۱۴۰۹ق.
۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الاصول من الکافی، بہ تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲ و ۶، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۷۵ و ۹۸، ج ۲،



بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۷. محمدی اشتهاردی، محمد، غم‌نامه کربلا (ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف)، چ ۱، تهران: مطهر، ۱۳۷۷ش.

۲۸. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب، چ ۳، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ش.

۲۹. منقری، نصرین مزاحم، وقعة صفین، به تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، چ ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته الله علیه، ۱۴۰۴ق.



مسابقه فرهنگی منبرهای کوتاه حسینی

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۰۸۰۲۲۲۲۳۰۰۸ ارسال کنید.

مثال: منبرهای کوتاه حسینی ۱۲۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب‌قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع بردگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹





پرسش‌ها

پرسش اول: کدام ویژگی در امام حسین علیه السلام وجود داشته که عاشورا را جاودانه کرده است؟

۱. وقار و خویشتن‌داری و قاطعیت داشتند
۲. شجاعت و بردباری و دلآوری داشتند
۳. در معرکه جنگ به شهادت رسیدند
۴. در این قیام، همه چیز خود را فدا کردند

پرسش دوم: در نگاه امام حسین علیه السلام قدرت ابزاری است که باید در برپایی کدام امر تحقق پیدا کند؟

۱. عدالت
۲. نظم
۳. نیکوکاری
۴. جهاد

پرسش سوم: بر اساس سخن آیه‌الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی) منظور از زنده کردن امرائمه اطهار علیهم السلام چیست؟

۱. عمل به برخی از واجبات دینی
۲. نادیده نگرفتن برخی از مستحبات
۳. زنده کردن امر دین
۴. ترک منازعه با دشمنان دین





پرسش چهارم: یکی از دلایل گرفتاری اهل جهنم بر اساس آیه ۲۷ سوره مبارکه نبأ کدام است؟

۱. داشتن آرزوهای دور و دراز
۲. نداشتن هیچ امیدی به حساب روز قیامت
۳. حسادت و رزی به مؤمنان
۴. رد شدن در برخی از امتحان‌های الهی

پرسش پنجم: وجود اقدس سیدالشهدا علیه السلام برای اصلاح جامعه فقط یک ابزار معرفی کرده‌اند. آن ابزار کدام است؟

۱. امر به معروف و نهی از منکر
۲. شناساندن قانون به مردم
۳. نظم در اجرای قانون
۴. وضع قوانین بر اساس عرف



پاسخنامه مسابقه فرهنگی منبرهای کوتاه حسینی

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب منبرهای کوتاه حسینی

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵